

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، دوم دسمبر ۲۰۰۹

تبصره ای مختصر بر

مصاحبه جناب "سمیع رفیع"

به اشارت دوستان معزز، مصاحبه جناب "سمیع رفیع" را که اخیراً در پورتال "افغان جرمن آنالین" نشر گردیده است، شنیدم:

– مصاحبه کننده : آقای "عمر ملکیار"

– مصاحبه شونده : آقای "سمیع رفیع"

– جای مصاحبه : صدای امریکا

گرچه مصاحبه شایان تبصره مفصل است، من اما عجلتاً مختصر گرفته و بر دو نکته ذیل مکث میکنم:

۱ – جناب سمیع رفیع کاملاً به حق تأکید میفرمایند، که "زبان دری" از شمال افغانستان برخاسته است. ایشان ضمناً به کتیبه آتشکده "سرخ کوتل" بغلان اشارت میکنند؛ و از زبان این سنگ نوشته که "زبان دری" حدوداً دو هزار سال پیش و به رسم الخط "یونانی" میباشد. هسته اصلی گفتار و استناد عمده ایشان به همین نکته است. و حیف که نگفته اند، که این نکته مربوط به مرحوم علامه پوهاند عبدالحی حبیبی است، که در "تاریخ افغانستان بعد از اسلام" (۱) به اجمال و در رساله "مادر زبان دری" (۲) از آن به تفصیل سخن گفته است. ندانستم، که آقای رفیع چرا از گرفتن نام نامی "علامه حبیبی" اباء میورزند؟؟؟؟ وقتی آدم می بیند، که آقای رفیع از دانشمندان ایران چندین نفر را نام میبرند، ولی از مرجع اصلی استناد گفته های خود – نوشته های "پوهاند حبیبی" – کوچکترین سخنی به میان نمی آرند، واقعاً به شگفت اندر میشود!!!!

۲ – به استحضار جناب "سمیع رفیع" برسد، که موضوع پیدایش زبان دری در مقالات متعدد دانشمندان هموطنم، قبلاً انعکاس یافته است. این کمینه نیز دقیقاً چهار سال پیش ضمن مقاله "ورود لغات بی مورد و ناباب در زبان دری" خود که به تاریخ ۱۹ نومبر ۲۰۰۵ در پورتال "افغان جرمن آنالین" نشر گردید، اشارات کافی به مسأله نموده است. لنک این مقاله را از نوشته نویسنده عالیقدر، جناب ولی احمد نوری، تحت عنوان "قابل توجه رؤساء و مسؤولین تلویزیون های افغانی" – مؤرخ ۵ نومبر ۲۰۰۹ – از پورتال "افغان جرمن آنالین" اخذ کرده و اینک در اختیار آقای "سمیع رفیع" میگذارم:

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/maroofti_worood_loghat_na_baab.pdf

برای سهولت کار قسمت مربوطه را از مقاله مذکور ذیلاً اقتباس میکنم. البته خوانندگان عزیزی که تمام مقاله را بخواهند از نظر مبارک خود بگذرانند، فقط به کلیک و دکه ای بر روی لنک، ضرورت خواهند داشت:

« مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی در صفحات ۳۹ - ۷۳۸ کتاب معظم خود «تاریخ افغانستان بعد از اسلام» (چاپ دوم، ۱۳۶۳، دنیای کتاب، تهران) چنین مینگارد :

« تا این زمان عقیده شایع این بود : که پس از حمله عرب، زبان پهلوی تغییراتی پیدا کرد و به تدریج بزبان فارسی کنونی منقلب شد. اما درین نزدیکی ها عقیده دیگری ظهور کرد، که زبان دری در ادوار پیش از اسلام نیز - در عرض پهلوی (مَوَازِی به زبان پهلوی - شرح ازین قلم است) - وجود داشته است. و بنا برین ادوارد براون مستشرق انگلیسی، پهلوی را زبان فارسی میانه و فارسی دوره اسلامی را فارسی جدید نامیده است.

این نظر جدید علمی که زبان دری افغانستان از زبان پهلوی نژائیده، اکنون یک سند قوی و واضحی را پیدا کرده، که عبارت از کشف سنگ نبشته دری تخارستانی در سرخ کوتل بغلان است، که ما در آغاز فصل اول از آن صحبت کردیم. اکنون که سنگ نبشته مکشوفه بغلان را بزبان دری تخاری و رسم الخط یونانی می بینیم، اعتراف میکنیم، که زبان دری کنونی از زبان پهلوی منشعب نشده، بلکه در مدت یکهزار و هشتصد سال تا دوهزار سال پیش ازین در تخارستان تاریخی زبان تکلم و تحریر و ادب و دیار بوده، که اینک ۲۵ سطر نوشته آنرا در حدود ۱۶۰ لفظ به همان شکل و عناصر کهن تاریخی در دست داریم و بنا برآن کشف این سنگ نبشته گرانبها، تحولی را در عالم زبانشناسی و تاریخ ادبیات افغانستان بوجود می آورد، و عقاید کهنه را متزلزل میگرداند.

از جمله دلایلی که برای وجود زبان دری در ادوار قبل الاسلامی اقامه میکردند، این بود، که آثار منثور و منظوم زبان دری بعد از تحریر مقدمه منثور شاهنامه ابومنصوری (۳۴۶ هجری، ۹۵۷ م) بدست آمده، و تمام این آثار بزبان فصیح و استوار و پخته دریست، که باید قرن‌ها قبل از اسلام پرورش دیده، تا باین درجه فصاحت و متانت ادبی رسیده باشد. دو دیگر اینکه از دوره اوایل اسلام، برخی عبارات و منقولات در کتب عربی (مثلاً در کتاب المحاسن و الاضداد جاحظ (۱۶۰ و ۲۵۵ هجری) و در عیون الاخبار ابن قتیبه و تاریخ طبری و مسالک و ممالک ابن خرداد به و غیره) نقل شده که به دری فصیح اند. و باز در اوقاتی که در خراسان و سیستان به گفتن شعر دری آغاز کردند، این اشعار نیز بزبان پرورده و استواری اند که باید قبلاً قرن‌ها تربیت دیده و باین مرتبه پختگی رسیده باشند.

به استناد سنگ نوشته بغلان باید گفت : که مادر زبان دری بشکلی که در ین نوشته ثبت شده، در حدود قرن اول و دوم میلادی یعنی تقریباً دو هزار سال قبل وجود داشت، و این زبان از آن سیمای قدیم اوایل عهد مسیحی، در مدت پنج و شش قرن، بقیافت زبان دری قرون نخستین اسلامی درآمد، که نمونه کهن تر نثر آن در مقدمه شاهنامه ابومنصوری (۳۴۶ هجری) موجود باشد (میباید). »

و در صفحه ۶۳۹ این کتاب در شرح ماههای بابلی در افغانستان قدیم، چنین می آرد :
« در عصر کوشانیان مَمارن قرن اول مسیحی در تخارستان این شهر (ماه ها) را مینوشتند، و دلیل این سخن کتیبه حدود ۱۶۰ م سرخ کوتل بغلان است، که زبان آن دری قدیم یا تخاری و رسم الخط آن یونانی شکسته و تاریخ آنرا به ماه بابلی نوشته اند، چنین :

« به سی و یکم سال سلطنت، هنگام نیسان ماه » (مادر زبان دری صفحه ۱۴۰)
علامه حبیبی در رساله خود « مادر زبان دری یا زبان دوهزار ساله افغانستان » چاپ ۱۳۴۲ کابل - که متأسفانه بدان دسترس پیدا نکردم - حتماً در زمینه به تفصیل بیشتر گپ زده است.

داکتر سید خلیل الله هاشمیان، استاد سابق زبانشناسی پوهنتون کابل ضمن « رساله ای در "سخن شناسی" » چنین فرماید :

« ... فرانسویها کلمه فارس را (پَرس) و انگلیسیها (پرشیا) تلفظ کردند و از دوصد سال باینطرف در کتاب های خود (فارسی) را زبان این منطقه (بشمول افغانستان و تاجکستان و غیره) خوانده، کشور افغانستان را جزء « فلات ایران » دانسته، و بفامیل زبانهای این منطقه که بابیست « هند و آریائی » خوانده میشد، تاپه « هند و ایرانی » را زدند. دانشمندان ایران معترفند و در کتابهای چاپ ایران درج و ثبت شده که منشأ زبان دری آن قسمت خراسان باستان است که افغانستان امروز نامیده میشود و این زبان از افغانستان به کشور فارس رفته و زبانهای بومی کشور فارس را مغلوب ساخته و در آن دیار زبان عام شده است. »

و در جای دیگر گوید: « زبانشناسان غربی باین واقعیت چندان علاقه ندارند که زبان دری از منطقه افغانستان به ایران رفته، و چون از واقعیتهای تاریخی منطقه چندان آگاهی ندارند، ایرانیها بالای آنها قبولانده بودند که مثلاً زبان دری منشعب از زبان فرس باستان و پهلوی است : ایرانیها تا ۶۰ سال قبل زبان پشتو را منشعب از سنسکرت میدانستند و ذهنیت فلاوجستهای غربی را قبلاً در زمینه مغشوش ساخته بودند. اما بعد از آنکه مبادی زبانشناسی در پوهنتون کابل رونق گرفت، زبانشناسان افغان توانستند به دانشمندان غربی بفهمانند که پشتو و دری دو خواهر زبان منولد از اوستا میباشند، نه از فرس باستان و پهلوی. بعد ازینکه علمای غربی در افغانستان به تحقیقات پرداختند و واقعیت ها را درک نمودند، ایرانیها موقف پشتو را بحیث خواهر زبان دری پذیرفتند و حتی حاصر شدند در پوهنتون مشهد و تهران به تدریس آن موقع بدهند. اما در مورد انشعاب زبانهای دری و پشتو از مادر اوستا هنوز هم تن درنمیدهند و به غلط تدریس و تبلیغ میکنند که اوستا از فرس باستان منشعب شده است. »

و همو در جای دیگر این رساله نویسد: « زبان دری » دنباله زبان « فارسی میانه (پهلوی) » نیست، بلکه دختر اوستا و منشعب از مادر زبان آریائی است که در منطقه آریه ها و خراسان وجود داشت و ازین منطقه به کشور فارس رفته است. باریکی موضوع درینست که اگر کورکورانه قبول شود که زبان دری دنباله زبان پهلوی است،

تاریخ به نفع ایرانیها سرچپه میشود، که گویا زبان دری از کشور فارس به خراسان آمده است. این موضوع را زبانشناسان خوبتر میدانند و توضیح آن مستلزم مقاله دیگریست، که درین مختصر نگنجد».

از گفته های بالا نتیجه میگیریم، که زبان دری از بقایای زبان اوستا و مدتها قبل از ظهور دین مبین اسلام، در افغانستان باستان زاده شد. قرنهای بعد، که اعراب بر سرزمین ما مستولی گشتند، زبان دری هم رسم الخط عربی را پذیرفت و نیز کلمات و لغات آنرا.

این زبان شیرین و نمکین پس از آنکه قرنهای در زادگاه خود پائید، قوام یافت و بالیده گردید، از مهد و گهواره اش بدر آمده و ممالک همجوار - از جمله فارس - را درنوردید و زبانهای محلی آنجا را آهسته آهسته ولی یکسره، از سر راه خود روبید و خود جایشان را گرفت»

امید است که جناب "رفیع" با مد نظر گرفتن سطور بالا بر عقیده خود تجدید نظر فرمایند، که گویا قبل از ایشان احد من الناس در زمینه تذکری نداده و قلمی نکشیده (کش نکرده) است!!!!

توضیحات:

- ۱ - "تاریخ افغانستان بعد از اسلام"، اثر پوهاند عبد الحی حبیبی، چاپ اول کابل، چاپ دوم، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، تهران، ایران
- ۲ - "مادر زبان دری" (تحلیل کتبی سرخ کوتل بغلان)، اثر پوهاند عبد الحی حبیبی، چاپ اول ۱۳۴۲، کابل، چاپ دوم ۱۲ حوت ۱۳۸۵، انتشارات امیری، کابل